

زنگهای خطر

اعلان اتحاد نامقدسی بنام "جبهه اتحاد ملی" که اساس و بنیاد آنرا اتحاد جماهیر شوروی وقت بین احمد شاه مسعود به نمایندگی از تنظیم جمعیت غیر اسلامی برهان الدین ربانی و حزب دیموکراتیک خلق وقت افغانستان برای تجزیه افغانستان طرح ریزی نموده بودند، چند روز قبل بعد از تصویب مجدد منشور مصالحه ملی در ولسی جرگه که اینجانب مصوبه اولی آنرا نیز در مقاله مورخ ۱۵ فبروری سال جاری مردود و غیر قابل قبول و طندوستان شریف - با درد- با احساس - با وجدان - دانشمند و قلمبستان، دانسته بودم و هر دو را زنگهای خطری میدانم برای توطئه و دسیسه دیگری از قدرتهای بیرونی چون فدراسیون روسیه - آمریکا - انگلیستان - ایران و پاکستان برای عملی نمودن تجزیه افغانستان عزیز .

هموطنان نهایت عزیز بخاطر دارند که تعدادی از جیره خوران خارجی تجزیه طلب در لویه جرگه تصویب قانون اساسی دولت جمهوری اسلامی افغانستان سیستم فدرالیزم را در عوض سیستم مرکزی پیشنهاد که پافشاری مینمودند و خوشبختانه به آن موفق نشدند.

خواهران و برادران نهایت عزیز آگاه اند که سیستم فدراسیون در افغانستان یکی از خوابهای دیرین پاکستان بعد از ایجادش در سال ۱۹۴۷م - اتحاد جماهیر شوروی وقت و ایران بود. این کشورها با فهم پائین بودن سطح دانش در افغانستان می دانستند که با ایجاد سیستم فدراسیون و کمک انگلیس - اتحاد جماهیر شوروی و آمریکا می توانند قسمتهای غربی - جنوبی و جنوب شرق افغانستان را جزء خاک کشورهای همسایه و در نتیجه افغانستان را به یک لاش مرده تبدیل و هر زاغ و زغن از آن قسمتی خواهد برد که در نتیجه افغانستان تجزیه و بین کشورهای همسایه تقسیم و به احتمال قوی قسمتهای مرکزی بحیث یک کشور کوچک بنام افغانستان باقی خواهد ماند.

وطنداران گران قدر من نمیگویم که نظام فدرالیزم سیستم نادرست و غلط است خیر چنین نیست بلکه یکی از سیستمهای سیاسی است که میتواند دیموکراسی و عدالت اجتماعی واقعی را در جوامع بشری برقرار سازد، مشروط بر اینکه جوامع علاقمند به نظام فدرالیزم چون کشورهای غربی از نگاه سطح دانش بلند یعنی بیش از نود فیصد با سواد و دارای شعور سیاسی باشد و ملت آن از نگاه اقتصادی متکی به خود بوده و در انتخابات نمایندگان شان برای ولسی جرگه و انتخاب صدراعظم به زور و زر تن ندهد و همچنان از نگاه نظامی چنان مجهز باشد که بتواند در مقابل تجاوزات خارجی از یک پارچگی و استقلال سیاسی - اجتماعی اقتصادی و نظامی کشور خود دفاع و عدالت را برقرار نماید، که متأسفانه کشور عزیز ما در شرایط مسلط بودن بیسوادی مطلق در سراسر کشور- نفوذ بی سرحد اجنبیان در تمام سکتورهای اجتماعی - اقتصادی - سیاسی و نظامی اصلاً صحبت و بحث از نظام فدرالیزم دور از واقعیتها عینی و غیر عملی برای مدت حد اقل ربع قرن میباشد هموطنان عزیز ما خود شاهد جنایات رهبران دو جناح متخاصم یعنی حزب دیموکراتیک خلق افغانستان و اخوان المسلمین که هر دو آب از دریای اغیار می نوشیدند بودیم که یکی در مقابل دیگری سلاح داغ را برداشته اولی آستین ها را بنام سوسیالیسم و کمونیزم بخاطر دفاع از حقوق کارگران و دهقانان برزدند و تخریب مادر وطن را از مسجد و کشتن را از قتل و قتال مالاها - ملکها و رشنفکران و طندوست آغاز و دومی بنام اسلام تخریب مادر وطن را از ویرانی و حریق مکاتب یعنی مهد علم و معرفت و به کشتن و غارتگری های ملت

مظلوم و بلا کشیده افغان شروع و بانکها را به خون خواهران و برادران فریب خورده خود پر نمودند. در نتیجه بدبختانه فریب خوردگان هر دو جناح و ملت شریف و بی گناه که در بین رقابت و جاه طلبی نوکران شرق و غرب قرار گرفته بودند قربانی - فرار از دامان مادر نموده و مادر وطن ما را که از نیاکان به میراث برده بودیم و حراست آن از وظایف اسلامی - وجدانی- ایمانی و اخلاقی ما بود بخاک و خون کشانیده و دو دسته به باداران خود تسلیم نمودند و حال هر آنچه آنها میخواهند عمل و با اعلان منشور مصالحه ملی و به تعقیب آن اعلان جبهه وحدت ملی میخواهند با چشم درای بصورت بسیار بیرحمانه از حقوق حقه ملیونها هموطن ستمدیده و مظلوم خود چشم پوشی و بار دیگر زمینه گرفتن قدرت را برای خود مساعد و به طبل باداران شان برقصند و بار دیگر در نتیجه قدرتمندی ها خدای ناخواسته مادر وطن را به قطعات مختلف بین کشورهای همسایه تقسیم نمایند.

بی لزوم نخواهد بود از خواهران و برادرانی که در طی سه دهه اخیر و یا حتی از آغاز دهه دیموکراسی (۱۹۶۳م) فریب رهبران خود را که در غلامی اغیار قرار داشتند سوال کنم؟ که شما بحیث انسانهای که خود شاهد تمام جنایات - دروغگوئی ها و فریبکاریهای رهبران خود بودید چطور وجدان خود را قناعت خواهید داد که این آقایانی که به اصطلاح جبهه وحدت ملی را اعلان کرده اند با تمام سوابق فریبکارانه شان طرف اعتماد شما و یا ملت قهرمان افغان قرار خواهند گرفت من یقین کامل دارم که شما با من و بزرگان هم عقیده باشید که - آزموده را باز آزمودن خطاست - و هیچگاه فریب شانرا بار دیگر نخواهید خورد.

بلی در اینجا وظیفه وجدانی همه ملت افغان است که آگاهانه عمل نمایند و با یک عقیده راسخ بخداوند متعال افغانستان را حزب خود - ملت افغان را اعضای حزب و مرام حزب را خدمتگذاری صادقانه و صمیمانه برای آزادی - استقلال - یکپارچگی - سعادت - نیک بختی و شگوفانی مادر وطن عزیز دانسته و با وحدت آهنین از آن دفاع نموده و نگذارند که ما را خدا ناخواسته بی مادر سازند و سعی و تلاش نمایند که مادر وطن خود را در روشنی علم و معرفت بصورت تدریجی بطرف دیموکراسی واقعی سوق دهند.

خداوند حافظ و نگهبان یکپارچگی مادر وطن عزیز ما باشد.

پایان